خراسان
WWW.KHORASANONLIN.IR
• سه شنبه، ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ • ۱۴ ذی الحجه ۱۴۴۶
• شماره ۲۱۷۸۹ • ۱۰ ژوئن ۲۰۲۵

عامل قتل بانوی قهرمان مچ اندازی در گفت و گو با خراسان

دستانش را بریدم تا زنده نماند!

سید خلیل سجادپور
info@khorasannews.com

بار دیگر جوان ۳۳ ساله ای در هیاهو وجنجال آفرینی های فضای مجازی ،دچار سوءظن های خیانت آلود شد و در حالی دست به جنایتی هولناک زد که مدعی بود ریشه اختلافات خانوادگی اش از دوران نامزدی آغاز شده بود.

متهم این پرونده جنایی که با دستورهای ویژه مقامات قضایی شهرستان فریمان و تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی ،تنها ساعاتی بعد از ارتکاب جنایت دستگیر شده بود به رازگشایی از این ماجرای تکان دهنده پرداخت وبه سوالات خبرنگار ارشد روزنامه خراسان پاسخ داد.

خودت را معرفی می کنی؟ جلال-الف .

چند سال داری؟ متولد ۱۳۷۱ هستم.

فرزند هم داری؟ بله! یک دختر ۳ ساله دارم.

با همسرت (مقتول) چگونه آشنا شدی؟ ازدواج فامیلی داشتم. «حانیه» دختر خاله ام بود.

با آن که شناخت کاملی از همسرت داشتی پس اختلافات شما چگونه آغاز شد؟ ریشه این اختلافات به فضای مجازی و شبکه های اجتماعی بازمی گردد. درواقع سوءظن های من از دوران نامزدی شکل گرفت.

توضیح بیشتری می دهی؟ درسال ۱۳۹۸ زمانی که به تازگی مراسم عقدکنان برگزار شده بودو دوران نامزدی را می گذراندیم یک روز چندتا فیلم وعکس در گوشی تلفن او دیدم که برای فرد دیگری ارسال کرده بود. آن روز خیلی عصبانی شدم و شک وتردید در وجودم ریشه دواند. به همین خاطر ماجرا را برای خاله و مادرم بازگو کردم اما با صحبت ها و نصیحت های بزرگترها و همچنین میانجی گری مادر وخاله ام این موضوع را نادیده گرفتم و گذشت کردم.

زندگی مشترک را از چه زمانی آغاز کردید؟ یک سال بعد از این ماجرا یعنی در سال ۱۳۹۹ زندگی مشترک ما در حالی شروع شد که این سوءظن ها در ذهنم باقی مانده بود ولی بازهم اهمیتی به آن ندادم.

پس چرا او را به قتل رساندی؟ زندگی ما بعد از تولد دخترم به همین ترتیب سپری می شد و همسرم نیز در امور ورزشی فعالیت داشت تا این که حدود ۲۰ روز قبل از این حادثه ،پیامکی را دریافت کردم که به اشتباه از گوشی همسرم به تلفن من ارسال شد. با

[redacted]

عکس اختصاصی خراسان

دیدن آن پیامک خیلی به هم ریختم و به خاطر سوءظنی که از قبل هم داشتم به سراغش رفتم و به او اعتراض کردم که «این پیامک از گوشی خودت برای من فرستاده شده است!» ولی پاسخی دریافت نکردم تا این که بعدازظهر روز حادثه تصویری (اسکرین شات) از پیج اینستاگرامی همسرم برای من ارسال شد. از او پرسیدم این استوری ها چیست؟ گفت: این ها استوری نیست!... وقتی بررسی کردم فهمیدم که آن ها را یک پسر غریبه فرستاده است! این بود که اعصابم به هم ریخت واین حادثه (قتل) رخ داد.

وقتی خشمگین شدی چه کردی؟ هنگامی که دیدم این تصاویر و پیام های ارسالی در فضای مجازی را قبول نمی کند در یک لحظه با دست گلویش را گرفتم و آن قدر فشار دادم تا جان داد. البته در همین هنگام سرش را به زمین هم کوبیدم.

دستانش را چرا از مچ قطع کردی؟ بعد از آن که بیهوش کف اتاق افتاد به طرف آشپزخانه رفتم و کارد قصابی را از روی یخچال برداشتم و هر دو دستش را از مچ بریدم تا از مرگ او مطمئن شوم که زنده نماند!

بعد از ارتکاب قتل چه کردی؟ اورا در همان وضعیت رها کردم و به یکی از روستاهای اطراف فریمان نزد پدرم رفتم ولی چون می دانستم پلیس به سراغم می آید با نصیحت پدرم تصمیم گرفتم خودم را تسلیم کنم. به همین دلیل صبح روز بعد به طرف مرکز انتظامی حرکت کردم که بازداشت شدم.

کارد قصابی را هم با خودت بردی؟ بله! آن را بیرون انداختم. (آلت قتاله با دستور مقام قضایی وجست وجوهای پلیس کشف شد)

وقتی دستان همسرت را از ناحیه مچ بریدی هنوز زنده بود؟ نه! فکر نکنم ،مرده بود! چون آن قدر گلویش را فشار دادم که بی جان شد!

اکنون چه احساسی داری؟ (متهم با خونسردی پاسخ داد) پشیمانم!

سابقه خبر

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان با گزارش مرگ زن ۲۳ ساله ای که مچ هر دو دستش به طرز فجیعی بریده شده بود، تحقیقات پلیسی وقضایی در حالی آغاز شد که فرضیه خودکشی با بریدن رگ دست، به صورت جدی مطرح شده بود اما بررسی های مقام قضایی و کارآگاهان پلیس آگاهی در مرکز درمانی، بلافاصله بر این فرضیه خط بطلان کشید و بدین ترتیب فرضیه قتل با صحنه سازی خودکشی، در حالی قوت گرفت که بازدید میدانی از محل وقوع جنایت در منزل مسکونی نشان داد خون اندکی روی فرش های منزل ریخته است!

خیلی زود همسر فراری متهم با دستورهای ویژه بازپرس دادسرای عمومی وانقلاب فریمان تحت تعقیب قرار گرفت وساعاتی بعد در چنگ عدالت گرفتار شد. گزارش روزنامه خراسان حاکی است درحالی که شایعه سازان فضای مجازی با قتل بانوی قهرمان رشته مچ اندازی (حانیه-ب) قصد جنجال آفرینی داشتند قاضی دکتر مهدی حقدادی (دادستان عمومی وانقلاب فریمان) در گفت وگوی اختصاصی با خبرنگار ارشد روزنامه خراسان، جزئیات وابعاد گوناگون این جنایت تکان دهنده را تشریح کرد وبه همه شایعات و هیاهوی فضای مجازی پایان داد.

در خور یادآوری است هرگونه بهره برداری از اخبار صفحه حوادث روزنامه خراسان بدون درج نام نویسنده ومنبع خبر پیگرد قانونی دارد.

در امتداد تاریکی

دختری در چنگ رمال دیوسیرت!

۵ ساله بودم که فرزند «طلاق» نام گرفتم و به همراه برادر بزرگترم به آغوش مادر پناه بردم چراکه درآن سن وسال به عشق مادری نیاز بیشتری داشتم و او را پناهگاهی مطمئن می دانستم. از سوی دیگر پدرم خیلی زود با زن جوانی ازدواج کرد و به دنبال سرنوشت خودش رفت تا جایی که هیچ گاه سراغی از ما نگرفت.

در این شرایط مادرم در یکی از هتل های مشهد به عنوان خدمتکار استخدام شد و به سختی کار می کرد تا هزینه های زندگی را تامین کند. من هم تا مقطع دیپلم به تحصیلاتم ادامه دادم و سپس برای آن که کمک خرج مادرم باشم در یک شرکت خصوصی مشغول کار شدم وقید دانشگاه را زدم. هنوز مدت زیادی از این ماجرا نگذشته بود که در محیط کارم با جوانی به نام «نوید» آشنا شدم و به طور پنهانی با یکدیگر ارتباط برقرار کردیم. من عاشق «نوید» شده بودم و به امید ازدواج به این رابطه ادامه می دادم و بر سر قرارهای خیابانی حاضر می شدم تا این که در یکی از همین دیدارهای پنهانی از او خواستم به خواستگاری ام بیاید و به این ارتباط مخفیانه پایان دهد اما او هربار به بهانه ای از خواستگاری طفره می رفت و دوست نداشت من درباره ازدواج با او صحبت کنم! از طرف دیگر به خوبی می دانستم که مادرم به شدت مخالف دوستی های خیابانی است و اگر از ماجرای من و نوید مطلع شود دیگر هیچ گاه نمی توانم با او ازدواج کنم!

خلاصه در شرایط روحی وروانی بدی گرفتار شده بودم و اضطراب و نگرانی بر وجودم حکمرانی می کرد که یک روز «نوید» مرا برای گفت وگو درباره آینده به یک کافی شاپ دعوت کرد. او آن روز آب پاکی را روی دستم ریخت و ادعا کرد چون من فرزند طلاق هستم، پدر ومادرش به شدت با ازدواجمان مخالف هستند و به خواستگاری ام نخواهند آمد!

این حرف های «نوید» مانند پتکی سنگین بود که بر سرم فرود می آمد اگر چه احساس می کردم او این موضوع را بهانه ای قرارداده است تا همچنان به روابط غیراخلاقی ادامه دهم ولی من به او دلباخته بودم و اکنون باورم نمی شد که این چنین همه آن وعده وعیدها را باید به فراموشی بسپارم. تا چند روز دچار افسردگی وتالمات روحی بودم که یکی از دوستانم ،رمال مشهوری را پیشنهاد کرد که می تواند با سحر وجادو، مادر نوید را طلسم کند تا مشکل ازدواج ما حل شود و به قول معروف دهان او را ببندد. این گونه بود که به همراه دوستم به طرف منزل رمال ۴۰ ساله به راه افتادم و مشکلم را با او در میان گذاشتم. رمال که با خونسردی به حرف هایم گوش می داد با تاکید براین که باید چند جلسه برای طلسم پدر ومادر نوید نزد او بروم از من خواست در جلسه بعدی حتما به تنهایی نزد او بروم! اگر چه ابتدا به این درخواست مشکوک شدم ولی با تعریف هایی که از او شنیدم و همچنین برای رسیدن به «نوید» پذیرفتم و هفته بعد به تنهایی قدم در خانه رمال دیوسیرت گذاشتم. او ابتدا شربتی به من تعارف کرد و خودش مشغول وردخوانی و جادو وجنبل شد. چند دقیقه بعد احساس سنگینی در سرم کردم و دیگر چیزی نفهمیدم. زمانی به خود آمدم که حیثیتم لکه دار شده بود. وقتی اعتراض کردم آن رمال کثیف زیربار رفتار شیطانی خود نرفت و من به ناچار متوسل به قانون شدم. بعد از آن که با آزمایش های پزشکی قانونی و تحقیقات پلیس، موضوع به اثبات رسید و آن شیطان خیانتکار دستگیر شد برخی دیگر از طعمه هایش نیز به کلانتری آمدند و از او شکایت کردند اما من زمانی فهمیدم این سحر وجادوها خرافاتی بیش نیست که زندگی وآینده ام تباه شد ای کاش ...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است بررسی های بیشتر درباره این ماجرا با دستورهای ویژه سرهنگ محمدولیان (رئیس کلانتری نجفی مشهد) ادامه دارد.

براساس ماجرای واقعی در زیر پوست شهر

آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیات مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک فاروج مورد رسیدگی و تایید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) بشرح ذیل آگهی می گردد:

بخش سه قوچان پلاک ۳ اصلی - اراضی تیول

ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ...فرعی از ۳ اصلی فوق به مساحت ۱۴۴۵۵.۵۳ مترمربع ابتیاعی آقای ابراهیم صفرپوریامی فرزندذوالفقار از محل مالکیت رسمی مشاعی متقاضی واقای محمودحاجی پورمقدم برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰۱۳۱۶-۱۴۰۴/۰۲/۳۰ کلاسه ۱۴۰۳/۰۷۲۳ هیات

ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ...فرعی از ۳ اصلی فوق به مساحت ۴۷۴۷۸.۴۷ مترمربع ابتیاعی آقای ابراهیم صفرپوریامی فرزندذوالفقار از محل مالکیت رسمی مشاعی متقاضی واقای محمودحاجی پورمقدم برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰۱۳۱۵-۱۴۰۴/۰۲/۳۰ کلاسه ۱۴۰۳/۰۷۲۴ هیات

ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی دارای پلاک ...فرعی از ۳ اصلی فوق به مساحت ۱۷۲۵۲ مترمربع ابتیاعی آقای علی اصغر ارجمندی فاروجی فرزندعباسعلی از محل مالکیت رسمی مشاعی اقای برآتمحمد ارجمندی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۷۰۰۳۰۰۰۷۷۳-۱۴۰۴/۰۲/۰۹ کلاسه ۱۴۰۳/۶۴۰ هیات

بخش سه قوچان پلاک ۸ اصلی - اراضی جعفرآباد

[illegible]

لذا بدینوسیله به فروشندگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ می گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاهها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترضین باید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه عمومی نخواهد بود ./

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۴/۰۴

محمد اسماعیل فرهمند
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فاروج

۱۲۹۳۸۰